

یادداشتی درباره سریال «هیولا» که این روزها در شبکه نمایش خانگی پخش می‌شود

## شرافت یا رذالت؟

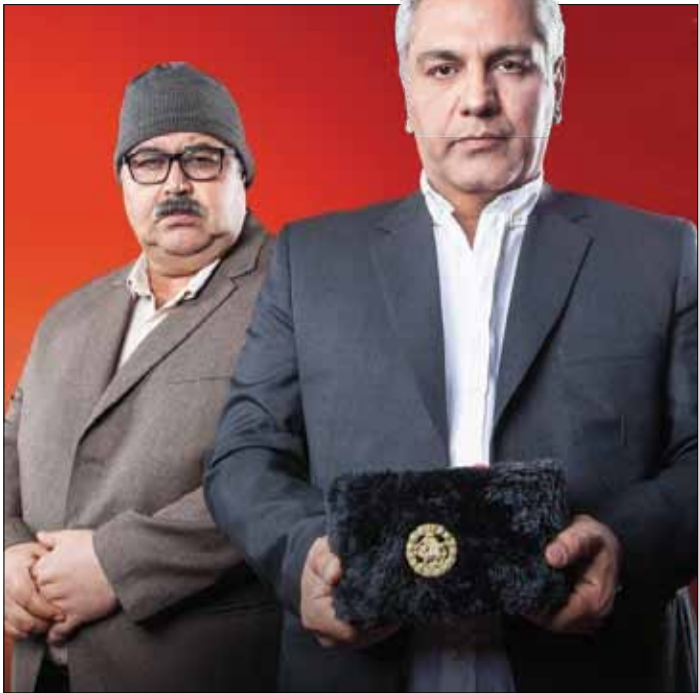
او از همان ابتدا آدم بی‌اخلاقی بوده است؟ بنابراین مسأله حضرت فیلمساز ابتدا شکل نمی‌گیرد و به همین سرعت آقای شرافت به سرآشپزی بی‌اخلاقی می‌گردد. خانواده آقای شرافت را به یاد بیابورید: مادر یا شرف آقای شرافت (با بازی غیرقابل تحمل خیراندیش)، آشکارا شرافت خاندان همسرش را دست می‌اندازد و از همه بدتر همسر شرافت است که ظاهراً عامل اصلی فساد اوست. خانم بازیگر یکی از بدترین بازی‌های عمرش را ارائه می‌دهد؛ اولترای اغراق آمیز و خودنما که در بازترین لنزها همچنان غیرعادی می‌نماید. آقای شرافت چطور با خردهای نق و نوق همسر، شرافت صدساله تبارش را حراج می‌کند؟ این مسأله در سکانس میز شام (قسمت‌های اولیه) کاملاً عیان است: مادر از شرافت پدر می‌گوید: دختر بچه علیه‌آنها می‌شورد و تقاضای دوچرخه می‌کند. از تحلیل میزانشن و مونتاژ این صحنه به دلیل کارگردانی بیش از حد تلویزیونی معذوریم: از نمای بسته به نمای باز و برعکس. اصلاً نباید خیلی جدی گرفت! پدر در مقابل وسوسه دخترش همچون گذشته به‌سرعت وا می‌دهد و رشوه جناب هیولا (کامروا با بازی مهران مدیری) را می‌پذیرد. ظاهراً بناست مهران جلوه می‌دهد بدین جذاب قصه باشد. بازی او همانند دیگران بشدت اغراق آمیز است. آیا بازی اغراق آمیز به خودی خود بد است؟ ابتدا چنین نیست اما باید در بافتار اثر تنیده شود. شما را از جاع می‌دهم به فیلم آدم‌برفی (داود میرباقری ۱۳۷۳) که با وجود بازی‌های بشدت اغراق آمیز، کاملاً باورپذیر جلوه می‌کند، چرا که با اثری فانتزی طرف بودیم. اما اینجا موقعیت رئال با بازی‌های ناممکن لحن اثر را چندپاره می‌کند (بازی رئال فرهاد اصلانی در مقابل بازی مهران مدیری). آنچه در این مرز و بود پدیده شده است تفاوت تمایز میان تیپ و کاراکتر است. اینطور نیست که تیپ مسالوی باشد یا کاراکتری سطحی نیست و بازی‌ها و خصیصه‌هایی آشنا. تیپ همچنین

سیدسجاد حسینی: «هیولا» در ادامه کمدهای آیتمی مهران مدیری است و از قضا یکی از بدترین آنهاست. اینکه فیلمساز (با بهتر آیتمساز) سعی کرده به رنگ و لعاب فیلم (برخلاف آثار سطح پایین پیشین) بیفزاید، اتفاق مبارکی است اما از این حربه برای فریب تماشاگر سود می‌جوید. هیولا به اثری آیتمی می‌ماند که نه سناریوی اختعاش و نه کارگردانی آماتوریش آن را به سطح یک کمدهی اجتماعی نمی‌رساند و لزوماً به یک مانیفست سطحی سیاسی تنزل می‌یابد، هرچند قصه آغازی امیدوارکننده دارد: یک معلم ساده شیمی با شرافت زندگی می‌گذراند. خوب است که تک‌تک واژگان را تا دل بشکافیم تا بدانیم قصه از چه قرار است: «یک معلم ساده شیمی»، مشکل از همین جاشروع می‌شود. کدام معلم؟ کدام شیمی؟ نه در سناریو و نه در بازی (با بازی متوسط اصلانی) هیچ کدام باورنده نمی‌شود. تنها چند بار او را سر کلاس می‌بینیم و از شیوه تدریس او چیزی نمی‌بینیم؛ پس معلمی به معنای خاص کلمه در کار نیست (نوع پرداخت را با کاراکتر سریال بریکینگ بد، که اتفاقاً هیولا کپی دست چندم آن است مقایسه کنید و تفاوت اصل و فرع را ببینید). او چطور معلم شیمی دبیرستان است که در حد درس علوم مقطع راهنمایی تدریس می‌کند، بگذریم. او «بشارافت» زندگی می‌کند. گویا این مضمون محوری اثر است. متأسفانه این مضمون (و نه حتی محتوای فرم گرفته و پخته شده) آفت اثر است. ما مدام از زبان پدر جد و جد و پدر بزرگ و... می‌شنویم: شرافت! به‌راستی کدام شرافت؟ کمی دقیق‌تر بررسی کنیم: قضیه چک‌پول‌های تقلبی، او برای خریدن قرص می‌رود اما دلال دارو در ناصر خسرو دیبه می‌کند. فردای آن روز، آقا معلم باشرافت ما، به‌سرعت و در چشم به‌هم‌زدنی، پول‌ها را خرج می‌کند و تنها واکنش او ناراحتی در چهره است. آیا متحول شده است؟ یا اینکه سناریست و فیلمساز به ما دروغ گفته‌اند و

«شوشو» چاپ دومی شد

مجموعه داستان‌های طنز شوشو به قلم سیدسعید هاشمی با همت انتشارات کتابستان به چاپ دوم رسید. به گزارش «وطن امروز»، هاشمی در این کتاب که برای مخاطب نوجوان نگارش شده است تلاش داشته مسائل و مشکلات نوجوانان را در قالب طنز بیان کند. مشکلاتی که تا دیروز اثری از آنها نبوده اما امروز به دلیل پیشرفت‌های تکنولوژی، به صورت فراوان به چشم می‌خورد.

فرهنگ و هنر



در درجه اول اهمیت دارد خود مسأله نیست، بلکه نوع چینش و کنار هم قرار دادن ماجرا، به نوعی همان میزانشن است که فیلمساز از آن زاویه به مسأله می‌نگرد. فیلمساز ما هیچ‌گاه تصویر خوبی از خانه شرافت نشان نمی‌دهد. هر آنچه می‌بینیم سرکوفت و تحقیر او از سوی خانواده‌اش است. ما هیچ‌گاه نمی‌توانیم این خانواده را لمس کنیم. شرافت بدانییم، چرا که سرشان بالا نیست و به انسانیت‌شان مفتخر نیستند. ما همه اینها را از زاویه دید فیلمساز می‌بینیم. حقیقت این است که فیلمساز ما این خانواده را نمی‌شناسد و از همین رو روابط خانوادگی یک خانواده کارمند را درک نمی‌کند. هیولا مدام بز دغدغه و پراتیک اجتماعی می‌دهد. حال آنکه با قطار کردن بی‌منطق ماجراها و مشکلات اقتصادی اخیر (همچون اختلاس، وام‌ها میلیاردی، مافیای گنگو و...) نمی‌توان سویه اجتماعی و مردمی یک اثر را جان بخشید و تنها

چهارشنبه ۱۲ تیر ۱۳۹۸

تلویزیون

«آقا و خانم پارسی»

دغدغه تلویزیونی زبان فارسی

اسماعیل آذر درباره مسابقه «آقا و خانم پارسی» که اجرای آن را برعهده دارد، اظهار داشت: بر اساس مطالبات رهبر انقلاب در زمینه زبان و ادبیات فارسی، عرقی که خود ما نسبت به زبان‌مان داریم و تکالیفی که سازمان صداوسیما نسبت به تقویت و تحکیم زبان و ادبیات فارسی برعهده دارد، مسابقه «آقا و خانم پارسی» در شبکه ۲ سیما شکل گرفت. آذر درباره بخش‌های مختلف مسابقه مطرح کرد: ما در ۴ موضوع هجای واژه‌ها، ساخت کلمه، ضرب‌المثل و شعر که مخزن‌های زبان فارسی است، سرمایه‌گذاری هنری کرده‌ایم. اولین بخش مسابقه هجا کردن واژه‌هاست. ساختن واژه با حروفی که روی تابلو قرار دارد، دومین بخش مسابقه است. سومین بخش آن حدس زدن ضرب‌المثل است به صورتی که یکی از اعضای خانواده با حرکت و ادا باید قسمتی از ضرب‌المثل را اجرا کند. برای این کار ۹۰ ثانیه فرصت دارد و اگر در ۱۰ ثانیه اول دیگر اعضای خانواده درست حدس زدند، ۸۰ امتیاز و اگر در ثانیه ۸۰ درست حدس زدند، ۱۰ امتیاز می‌گیرند. «آقا و خانم پارسی» کاری از گروه اجتماعی و فرهنگی شبکه ۲ سیما به تهیه‌کنندگی امیرحسین آذر و با اجرای اسماعیل آذر است که از اول تیرماه روزهای شنبه، دوشنبه و چهارشنبه ساعت ۱۴ پخش می‌شود.

کتاب

«کتیبه ژنرال»

داستان زندگی سردار بی‌سر

روایت زندگی فرمانده بی‌سر، شهید مدافع حرم حاج عبدالله اسکندری به قلم اکبر صحرائی، توسط انتشارات شهید کاظمی منتشر می‌شود. به گزارش «وطن امروز»، سردار شهید حاج عبدالله اسکندری هر چند رزمنده‌ای نام‌آور در جنگ تحمیلی بود اما نام او وقتی سر زبان‌ها افتاد که به جمع مدافعان حرم پیوست و بیکر مطهرش پس از شهادت به دست گروه تروریستی داعش افتاد! ابوجعفر نامی که از فرماندهان این گروه تروریستی بود سر از تن بی‌جان سردار جدا و تصاویر آن را در فضای مجازی منتشر کرد. البته طولی نکشید که وعده خدا محقق شد و با کشته شدن ابوجعفر به دست ارتش سوریه، این‌بار تصویر لاشه او بود که در معرض دید جهانیان قرار گرفت و دل همه دوستداران شهید را شاد کرد. «کتیبه ژنرال» رمان هزار صفحه‌ای است از زندگی سراسر افتخار و شجاعت شهید اسکندری که پس از ۵ سال تلاش و تحقیق توسط نویسنده نام‌آور و انقلابی کبیر، اکبر صحرائی به رشته تحریر در آمده است.

رویداد

سر بریده ترامپ در جشنواره

مایکل مور

جشنواره «تراورس سیتی» که مایکل مور بنیانگذار آن محسوب می‌شود، برنامه‌های پر و پیمانی را برای برگزاری دوره پانزدهم در سال ۲۰۱۹ تدارک دیده است. به گزارش مهر به نقل از وریایی، «تراورس سیتی» امسال با نمایش فیلم‌هایی از کیتی گریفین و با حضور لیلی تاملین برگزار خواهد شد. گریفین در برنامه اکران «کتیبه گریفین: عجب داستانی» حضور خواهد یافت. این مستند نشان می‌دهد چگونه عکسی از این کم‌دین که یک سر قطع‌شده مصنوعی دونالد ترامپ را در دست دارد، منجر به انجام تحقیقی توسط اف‌بی‌آی شده است! تاملین که در کنار جین فوندا از بازیگران «گریس و فرانکی» بوده و از شهرزندان دیترویت هست نیز جایزه یک عمر دستاورد هنری را از جشنواره مایکل مور می‌گیرد. این جشنواره که امسال پانزدهمین دوره خود را پشت سر می‌گذارد، از ۳۰ جولای تا ۴ اگوست (۸ تا ۱۳ مرداد) ادامه می‌یابد. موضوع امسال این جشنواره «سینما جهان را نجات می‌دهد» است و بیش از ۲۰۰ فیلم در آن به نمایش درمی‌آید. مور در این باره گفت: وقتی جهان به صورت دیوانه‌واری از کنترل خارج شود، باید هنرمندان خواست پاسخ بدهند. الهام‌بخش باشند و با این باور دیوانه‌وار که یک فیلم بزرگ می‌تواند جهان را تغییر دهد، وارد میدان شوند. این جشنواره بیشتر بر فیلم‌های مستقل و مستند متمرکز است که امکان اکران و توزیع معمول را به‌دست نمی‌آورد.

چگونه رسانه‌های ضدایرانی به اشتباه فلش‌ماب ۴۰ سالگی انقلاب را با نشر می‌کنند؟

### سوء تفاهم شیرین!

ایرانی‌هایی بود که پای نامه به ترامپ را امضا کردند؛ نامه‌ای که در آن گفتند با تصمیمات مقامات ایرانی مخالف هستند اما از ترامپ می‌خواهند در برجام بماند. جالب‌تر آن است که در مسیر اشتباه آغداشلو، همان شب هم یاسمین پهلوی، همسر علیرضا پهلوی، این ویدئوی آغداشلو را در صفحش استوری می‌کنند! اما اشتباه من و تو، آغداشلو و عروس محمدرضاشاه کجاست؟ اینکه این ویدئوی مثبت و پرانرژی دقیقاً به پنهان میمنت و مبارکی ۴۰ سالگی انقلاب اسلامی ساخته شده است! فلش‌ماب «سلام به آینده» هفتم سال پیش با صدای «حسین حقیقی» در ترمینال یک فرودگاه مهرآباد تهران اجرا شد، ویدئویی که محصول «خانه موسیقی بسیج» بود. فلش‌ماب یک پدیده اجتماعی و یک گونه نمایشی است که در کل دنیا مرسوم است. در جاهای عمومی مثل فرودگاه، ترمینال و مترو اجرا می‌شود و براساس حرکت، موسیقی و تصویر است. اجرای فلش‌ماب ۲ قسمت دارد: اجرای میدانی که بین مردم با فن‌فالگیری اجرا می‌شود و قسمتی

نگاهی به فعالیت‌های سینمایی سینماگران در ماه‌های منتهی به جشنواره فجر

### یک تابستان داغ

نمایش ترکیب فیلم‌های گیشه در ماه‌های آتی را مشخص کرده است. بنا بر گزارشی که سازمان سینمایی منتشر کرده است، شاهد احمدلو بناست «چراغ خاموش» را جلوی دوربین ببرد. فیلم جدید رامبد جوان نیز با نام «سال نو» مجوز ساخت گرفت. همچنین فیلمنامه مشترک محسن تنابنده و مرحوم خشایار الوند نیز با نام «پرزمین» نیز مجوز ساخت گرفت که سیروس مقدم آن را کارگردانی خواهد کرد. «خداحافظ» بر این آثار، «بی‌نشان‌ها» به کارگردانی احسان صدیقی، «داستان درخت گردو» به کارگردانی محمدرضا خاکی با درجه‌بندی سنی ۹+، «برنده‌ها» به کارگردانی حسن نظار، «درخونگاه» به کارگردانی سپاس اوسعدی با درجه‌بندی سنی ۱۲+ و «جمشیدیه» به کارگردانی یلدا جلیلی با درجه‌بندی سنی ۱۲+. اکنون باید دید ترکیب فیلم‌های روی پرده در ماه‌های آتی چگونه خواهد بود و چه فیلم‌هایی از اقبال گیشه برخوردار خواهند شد.



محسن شه‌میرزادی؛ با فرا رسیدن فصل تابستان تب و تاب تولید فیلم‌های سینمایی نیز شدت می‌گیرد. عمده سینماگران تلاش دارند فیلم‌شان را به جشنواره فجر برسانند و از همین رو ضروری است تا میانه تابستان از فرایند پیش‌تولید گذشته و تصویربرداری فیلم‌شان را کلید بزنند. میزان فیلم‌های تایید شده شورای پروانه ساخت نیز این مساله را تایید می‌کند، به گونه‌ای که کارگردان‌های مطرحی درخواست مجوز ساخت آثارشان در نیمه اول تیرماه مورد بررسی و تایید قرار گرفته است. از سوی دیگر بسیاری از فیلمسازها تلاش دارند پیش از آغاز جشنواره و در نیمه دوم تابستان و فصل پاییز فیلم خود را روی پرده ببرند که انتشار آرای شورای پروانه

با وجود رکوردشکنی‌های دیزنی

### ادامه افت باکس آفیس هالیوود با ۱۰ درصد کاهش سالانه

سود هالیوود در بازار داخلی و نیز فروش بین‌المللی آن که برای هالیوود حائز اهمیت بسیار است، با کاهش قابل توجه روبه‌رو بوده است. به گزارش مهر به نقل از هالیوود ریپورتر، تحلیلگرانی که تا به حال به یک سال رکوردشکن دیگر در باکس آفیس هالیوود امیدوار بودند، فکر می‌کردند تابستان بتواند نیروی ثبات‌آور بعد از زمستان و بهاری سخت باشد اما اینطور نشد. سود داخلی باکس آفیس آمریکا تا پایان ژوئن شاهد یک کاهش سالانه تقریباً ۱۰ درصدی بود و فروش بلیت‌ها در تابستان زاده با درجه‌بندی سنی ۱۲، «خداحافظ» مثل «گودزیلا سلطان هیولاها»، «مردان سیاه‌پوش: بین‌المللی» و «زندگی مخفی حیوانات خانگی ۲» با کاهشی ۷/۲ درصدی مواجه شد. فروش بین‌المللی هم برای هالیوود بسیار حائز اهمیت است. تا اینجا در سال ۲۰۱۹ عناوین هالیوودی که در بیش از هزار پرده سینما در آمریکای شمالی به